

چکیده:

زمینه و هدف: سرطان پستان^۱ به گزارش آمار ارائه شده توسط آژانس بین المللی سرطان^۲ در سال ۲۰۲۰، به قابل تشخیص ترین نوع سرطان در سراسر جهان تبدیل شده است و تقریباً ۱۲ درصد از کل موارد سرطان در سراسر جهان را در هر دو جنس تشکیل می دهد و عامل اصلی مرگ و میرهای ناشی از سرطان در بین زنان است (۱). در واقع سرطان پستان بعنوان دومین عامل اصلی مرگ و میر ناشی از سرطان زنان در ۹۵ درصد کشور های دنیا (۱۷۳ کشور از ۱۸۳ کشورهای جهان) شناخته شده است (۲). این در حالی است که نتایج تحقیقات انجام شده در کشورهای پیشرفته حاکی از کاهش مرگ و میر ناشی از سرطان پستان و افزایش نرخ بقای زنان مبتلا در نتیجه پیاده سازی روشهای غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان می باشد.

آمارها نشان می دهد تاکنون سیاست های اعمال شده در کشور که بمنظور شناسایی زودهنگام سه دسته از سرطان های قابل پیشگیری و قابل درمان از جمله سرطان پستان، صورت پذیرفته است مورد تحلیل جامع قرار نگرفته ، لذا انجام چنین تحلیلی برای تولید اطلاعات مبتنی بر شواهد که سیاستگذاران و تصمیم گیرندگان نظام سلامت بدان نیازمندند ، ضروری بنظر می رسد . لذا این مطالعه با هدف تحلیل سیاستگذاری های صورت گرفته در زمینه غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان در زنان ایرانی صورت گرفته است.

روش پژوهش : پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی چند مرحله ای میباشد .در مرحله اول یک مطالعه مرور حیطه ای بر اساس مطالعات داخلی انجام شده در فاصله سالهای ۲۰۰۰-۲۰۲۳ در این زمینه صورت گرفت. برای این منظور پایگاه های داده ای خارجی از جمله پاب مد^۳، وب آو ساینس^۴، اسکوپوس^۵، گوگل اسکولار^۶، برای بخش انگلیسی و پایگاه های داده داخلی نظیر مگ ایران^۷ و مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۸ با کلید واژه های مرتبط با هدف دستیابی به مقالات منتشره در حوزه غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله دوم یک مطالعه تطبیقی در خصوص اقدامات صورت گرفته در کشورهای منتخب در راستای غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان صورت گرفته و نتایج حاصله با کشور ایران مورد مقایسه قرار داده شده است. در مرحله سوم یک مطالعه کیفی اکتشافی بر مبنای چارچوب مثلث سیاستگذاری با هدف تحلیل سیاست های اتخاذ شده در زمینه غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان در ایران طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ بر روی مستندات (۲۷ مستند) موجود انجام گرفت و در مرحله چهارم یک مطالعه کیفی موردی به صورت مصاحبه با خبرگان در حوزه مذکور جهت آشنایی با سیاستگذاری های انجام شده در زمینه غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان در کشور صورت گرفت. داده ها از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته با ۲۰ نفر از افراد کلیدی مطلع، سیاستگذاران و ذینفعان جمع آوری گردید.

در مرحله آخر با استفاده از یافته های مراحل قبل یعنی تحلیل نتایج مطالعه حیطه ای، تطبیقی و جمع بندی بررسی مستندات و مصاحبه ها از مراحل قبلی چالش های اساسی و راهکارهای سیاستی پیشنهادی برای رفع آنها استخراج گردید و نهائی گردید.

¹ Breast Cancer (BC)

² International Agency for Research on Cancer (IARC)

³ PubMed

⁴ Web of Science

⁵ Scopus

⁶ Google Scholar

⁷ MagIran

⁸ SID

بمنظور اطمینان از صحت داده های حاصله از معیارهای اعتبار، قابلیت تائید پذیری، اعتماد و انتقاد پذیری استفاده گردید و از نرم افزار MaxQda نیز برای تحلیل داده های مصاحبه ها استفاده شد.

یافته ها: یافته های حاصل از مطالعه حیطة ای نشان داد که بر اساس مطالعات داخلی صورت گرفته، نرخ بروز سرطان پستان در میان زنان ایرانی در حدود ۳۲.۱ به ازای هر هزار زن است و حدود ۱/۴ کل سرطان های کشور (۲۴.۴ درصد) را به خود اختصاص می دهد. بعلاوه برخی از مطالعات داخلی سن شیوع این بیماری را در میان زنان ایرانی به نسبت سایر جوامع حدود ۱۰ سال زودتر برآورد می کنند. و تعداد بیماران مبتلا به سرطان سینه در ایران در سال ۲۰۲۱ تقریباً ۴۰ هزار نفر و موارد جدید اضافه شده سالانه ۷ هزار نفر اعلام شده است. در مرحله دوم پژوهش بر اساس مطالعه تطبیقی صورت گرفته سیاست های مرتبط با غربالگری سرطان پستان با استفاده از مثلث سیاستگذاری در کشورهایی که بالاترین میزان شیوع پنج ساله سرطان پستان را در طی دو دهه گذشته داشته اند مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس ارزیابی های انجام شده، در حوزه تحلیل بافتار، چهار وضعیت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و شاخص های سلامت مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل وضعیت سیاسی، وجود ثبات سیاسی در کشورهای منتخب، نکته حائز اهمیتی بود. در تحلیل وضعیت اقتصادی، کشورهای مذکور موقعیت های متفاوت اقتصادی را در طی بازه زمانی مذکور پشت سر گذاشته اند؛ و با بررسی سهم هزینه های مصروفه در نظام سلامت این کشورها، به نظر می رسد که الگوی کاملاً مشترکی در میان آنها دیده نمی شود، لذا بسیار دشوار است که بتوان نتیجه گیری کرد که افزایش سهم هزینه های مصروفه در سلامت از تولید ناخالص ملی پیش شرط الزامی برای پیشبرد برنامه های ملی غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان باشد. در تحلیل وضعیت اجتماعی، آمارها نشان می دهد که کلیه کشورهای منتخب در این مطالعه، افزایش شاخص توسعه انسانی را تجربه کرده اند. در تحلیل محتوی سیاستها در کشورهای منتخب، مشخص شد که سیاست های مرتبط با ایجاد زیرساختهای مطالعاتی مرتبط قبل از شروع به پروسه غربالگری جهت دستیابی به داده های معتبر بر اساس تغییرات دموگرافیک و با تاکید بر کیفیت بالای روش های علمی و تحقیقاتی به کار رفته برای تخمین داده ها و در دسترس بودن داده ها برای سیاستگذار بمنظور اتخاذ تصمیمات اساسی و مبتنی بر نیاز جامعه، توانمند سازی نیروی انسانی، تقویت نظام ارجاع، و توسعه زیرساختهای مورد نیاز غربالگری سرطان پستان در تمامی کشورهای منتخب به صورت مشترک انجام شده است. در کشورهای با درآمد بالاتر، تامین منابع مالی انجام برنامه های غربالگری توسط پوشش بیمه ای کنترل می گردد و نظام پرداخت توسط دولت انجام می شود. و نرخ مشارکت عمومی در کشورهای توسعه یافته به نسبت سایر کشورها در زمینه غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان بالاتر بوده است. در تحلیل فرایند، یافته های مطالعه حاضر نشان داد که مشکل اصلی در غالب کشورهای مورد مطالعه بالا بودن میزان مرگ و میر ناشی از سرطان پستان بوده است، ولی موتور محرکه اصلی در همه آنها دستیابی به هدف سوم از اهداف توسعه هزاره و هدف سوم از اهداف توسعه پایدار که می بایست منجر به کاهش مرگ و میر زودهنگام ناشی از سرطان به یک سوم بوده است. بعلاوه نقش سازمان ها و انجمن های فعال در حوزه سرطان در پیاده سازی صحیح برنامه های غربالگری را در کشورهای مختلف نمی توان نادیده گرفت.

در مرحله سوم این مطالعه، بر اساس بررسی مستندات صورت گرفته و مصاحبه های انجام شده با خبرگان این حوزه، چارچوب تحلیلی مثلث سیاستگذاری مشخص نمود که عواملی نظیر عدم تعاملات مناسب درون و برون بخشی و عدم مدیریت صحیح اطلاعات در نظام سلامت، چالشهای فرهنگی، و چالشهای اجتماعی- اقتصادی در بخش بافتار دخیل بوده اند. در بخش زمینه، عواملی نظیر کیفیت خدمات، ارتقاء سلامت فردی و دسته بندی خدمات نقش موثری داشته اند. در بخش فرایند، تدوین صحیح فرایند و نقص در نظارت و پایش مورد توجه قرار گرفتند و نهایتاً در بخش بازیگران، چالشهای ذینفعان بعنوان تم اصلی شناسایی شد.

نتیجه گیری: تشخیص زودهنگام و غربالگری سرطان پستان یک پدیده چند عاملی محسوب می شوند، لذا نیاز به جذب حمایت های چند جانبه از ذینفعان متعدد را می طلبد. راهبردهای پیشنهادی بر اساس یافته های ما در مطالعه حاضر برای رسیدگی به این مشکل شامل:

- تخصیص بودجه جداگانه برای برنامه های پیشگیری، غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان پستان
- تقویت نقش نظارتی وزارت بهداشت برای اطمینان از پایداری ابتکارات وزاری بهداشت قبلی
- افزایش آگاهی عمومی و ایجاد حساسیت در میان افراد گروه های هدف با همکاری سایر سازمان ها نظیر وزارت علوم، آموزش و پرورش، و ورزش و جوانان
- بکارگیری منابع بصورت هدفمند جهت دستیابی به اهداف تعیین شده (نظیر انجام آزمایش های غربالگری سیستماتیک در شهرهای منتخب برای ایجاد اطلاعات مبتنی بر شواهد و تعیین شاخص های کلیدی مورد نیاز سیاستگذاران جهت برنامه ریزی های آینده)
- جلب مشارکت سازمانهای بین المللی سلامت (که می تواند نقش تعیین کننده ای در مسیر پیاده سازی اهداف نظام سلامت در زمینه حفظ و ارتقاء سلامت زنان در جامعه، به عنوان ارکان اساسی خانواده ها و در راستای جوان سازی جمعیت، داشته باشد.)

واژگان کلیدی: سرطان پستان- غربالگری - پیشگیری- تشخیص زودهنگام - تحلیل سیاست- ایران- مطالعه کیفی